

آزادی را در کدام حلقه زنجیر
باید فریاد کنم
هنگامی که در بازار برده فروشان
تنم را به عاریت بیگانه می فروشند
و با تهنیت و لبخند بزم ویرانی را
برجان جوانانم جوانه می زنند
تعزیت کدام تقدیر را بگویم
که دریوزگان
در پی انباشت جیب هایشان نباشند
و کودکانم را نیز
به بردگی نفروشند

زنان و کودکان زلزله زده و زلزله زده را در ایران دریابید!!!



در حالی که فاجعه زلزله بم تمام انسانها را به تکاپو واداشته بود، و در تمامی اخبار رادیو و تلویزیونهای جهان گزارشات مفصلی از این حادثه پخش می گردید و من در حزن و اندوه در لابلای اخبار و سایتهای اینترنت وضعیت دشوار و نکبت بار حاکم بر امدادسانی را پیگیری می کردم، خبر درج شده در سایت « پیک ایران » شوک شدیدی بر من وارد ساخت.

«فعال شدن باندهای قاچاق زنان در بم» به نقل از «زنان ایران» تاریخ ۶ دیماه ۸۲ و در ادامه ذکر گردیده بود: «یک گروه متشکل از ۱۵ پزشک و ۳۰ داوطلب صبح امروز از طرف انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی راهی شهر بم خواهند شد، یکی از مسئولان این انجمن ضمن اعلام خبر یاد شده افزود ما قبلاً تحقیقی کرده بودیم درباره دزدیده شدن دختران در استان کرمان به وسیله باندهای قاچاق، ارزیابی ما این است که الان که تعداد زیادی از دختران، سایر اعضای خانواده خود را ازدست داده‌اند طعمه باندهای قاچاق که هم اکنون در منطقه فعال شده‌اند خواهند شد.»

من از خواندن این مطلب به عمق فاجعه در شرف تکوین پی برده و به شدت منقلب شدم. همسایه آلمانی من که جهت اعلام همدردی با من در مورد زلزله صحبت می‌کرد وقتی مطلب را شنید به شدت برآشفته و از من خواست به هر شکلی که می‌توانم پی‌گیر این موضوع باشم و به سهم خود در افشاء این جنایت علیه بشریت بکوشم و او هم از هیچ کوششی فروگذار نخواهد ماند. از این رو به سایتهای مختلف اینترنت مراجعه کردم و مطالب و نکاتی را گردآوری نمودم که در ذیل با ذکر منبع عیناً منعکس خواهد شد ولی سنگینی فاجعه بم یک طرف و مسائلی که بر کودکان و زنان ایرانی چه زلزله زده و چه زلزله نزده می‌گذرد طرف دیگر قضیه است که امیدوارم تمامی انسانهای آزاده، تمامی ارگانها و نهادهایی که مدعی دفاع از حقوق زنان و کودکان هستند، یونسف، سازمان ملل و... به‌ویژه گروهها و جریانات سیاسی رادیکال اپوزسیون هوشیارانه به دفاع از کودکان بی‌سرپرست و زنان ایران اقدام نمایند.

« ۸ دی ماه سایت زنان ایران بنقل از رویا کریمی مجد روزنامه نگاری که به تازگی از شهر زلزله زده بم به تهران بازگشته است از قول یک کارشناس غیر دولتی در بم می‌گوید: اگر اوضاع همینطور پیش برود تا یک هفته دیگر این بچه‌ها به ارزاترین قیمت فروخته می‌شوند.»
روزنامه شرق:

« شیوا زر آبادی: احتمال فعال شدن باندهای سرقت کودکان در بم در حالی قوت می‌گیرد که مراجعه والدین و اقوام حدود ۵۰۰ کودک به مراکز بهزیستی، بیمارستانه، هلال احمر این احتمال را واقع می‌سازد.»
و در جای دیگری قید می‌گردد از ۶۰۰۰ (۶هزار) کودک زنده و مفقوده شده در بم تنها یکصد نفر در مراکز بهزیستی کرمان نگهداری می‌شود.

« زنان ایران ۱۴ دی ماه ۸۲ بنقل از یکی از خروجی‌های خبر رسمی جمهوری اسلامی و نقل قول از یکی از مقامات بهزیستی اعلام می‌دارد: تعرض به برخی از زنان و دختران منطقه بم در ساعات اولیه این حادثه توسط برخی اشرار تائید شده است و برخی از باندهای قاچاق زنان و کودکان که با پوشش موسسه خیریه، یا به بهانه قبول سرپرستی، در روزهای اول، تعدادی



«جمیله کدیور نماینده مجلس در نطق پیش از دستور خود با اشاره به این فاجعه می‌گوید: من خواهان برخورد قاطعانه و جدی با اشرا و افراد سودجویی که با بهره‌گیری از بی‌پناهی ضعیف‌ترین اقشار در پی قاچاق و فروش آنها برآمده‌اند هستیم.»

با در نظر گرفتن شرایط فوق و مواردی که به آن اشاره خواهد شد پی به عمق فاجعه علیه انسانیت برده می‌شود. هنگامی که « ایلنا خبرگزاری کار ایران » در گزارشی آمار ۸ هزار باند فعال اداره کننده مراکز فحشا در سطح تهران را می‌دهد و اعلام می‌دارد طبق آمار در مدت ۷ سال متوسط سن فحشا از ۲۸ سال به زیر ۲۰ سال رسیده و در حال حاضر کف این سن تا ۱۳ سالگی پایین آمده و ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار زن خود فروش در جامعه را قابل ردیابی می‌داند و یا گزارشاتی که از بازار برده فروشان در دبی ارسال می‌گردد که کودکان و زنان ایرانی به سبک ۱۴۰۰ سال قبل در معرض فروش و عرضه قرار می‌گیرند و یا گزارش آن خانم نویسنده که در سخنرانی خود در قم به وجود دو مرکز صادراتی زنان و دختران ایرانی در خیابان غار تهران اشاره می‌کند که تحت نظارت کامل رژیم نیز قرار دارد، و یا باند مشهوری در سطح تهران بنام « شهناز پلنگ» که با پشتوانه در صدد جذب دختران و زنان فراری هستند. هنوز مرکب روزنامه‌های تهران و ایران از فاجعه خانه سبز کرج که حاکم شرع دادگاههای انقلاب شخصا بر صدور دختران ایرانی به شیخ نشینها ریاست کامل داشته خشک نشده است. باید یکپارچه فریاد زد، باید تندر شد و آتش، باید خشم و کینه شد و بر بنیاد این رژیم ضد بشری بارید. باید افشاء کرد که دکاکین و غرفه‌های فروش زنان و کودکان با مشارکت چه کسانی اداره می‌گردد که به خود اجازه می‌دهند در قلب پایتخت (این ام القرا مسلمین) تهران، دارای دفتر و دستک ویژه باشند. به تصاویر تکاندهند زیر نگاه کنید تا بهتر بر سرنوشت کودکان و زنان ایرانی چون من بگریید.



شناسنامه
نام : الهه
شغل : خریده شده از پدر و مادر
سین : 9 سال
محل عکسبرداری : محل شرکت در تهران
قیمت : [REDACTED]
در صورت فرار یا مریضی شرکت متعهد نمی شود تمامی
وجه خرید را واگذار نماید
برای مشاهده گالری اینجا کلیک کنید

NOT AVAILABLE	NOT AVAILABLE	NOT AVAILABLE	NOT AVAILABLE
--------------------------	--------------------------	--------------------------	--------------------------



شناسنامه
نام : سوسین
شغل : خریده شده از پدر و مادر
سین : 9 سال
محل عکسبرداری : محل شرکت در تهران
قیمت : [REDACTED]
در صورت فرار یا مریضی شرکت متعهد نمی شود تمامی
وجه خرید را واگذار نماید
برای مشاهده گالری اینجا کلیک کنید

NOT AVAILABLE	NOT AVAILABLE	NOT AVAILABLE	NOT AVAILABLE
--------------------------	--------------------------	--------------------------	--------------------------

این نشاندهنده این است که نه تنها زنان و کودکان زلزله زده را باید دریابیم بلکه تمامی زنان و کودکان ایرانی که زیر سیطره این دژخیمان هستند را نیز باید یاری نمود .